



استناد به این مقاله: آریامنش، صابر؛ فلاح‌چای، رضا؛ زارعی، اقبال (۱۳۹۲). مقایسه تمایز یافتگی بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۳ (۱)، ۸۱-۹۸.

## مقایسه تمایز یافتگی بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس

صابر آریامنش<sup>۱</sup>، دکتر سید رضا فلاح‌چای<sup>۲</sup>، دکتر اقبال زارعی<sup>۳</sup>  
دریافت: ۱۳۹۱/۳/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۰

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه میزان تمایز یافتگی بین دو گروه از زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس بود. چهار مؤلفه‌ی تمایز یافتگی (واکنش‌پذیری هیجانی، گسلش عاطفی، هم‌میختگی با دیگران، موقعیت من) مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور ۱۲۰ زوج با روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. از میان آنها، ۶۰ زوج دارای تعارض بودند که در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به کلینیک‌های مشاوره شهر بندرعباس مراجعه کرده بودند و ۶۰ زوج دیگر نیز دارای رضایت زناشویی بودند. پرسشنامه ۴۶ سؤالی تمایز یافتگی (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸) و پرسشنامه ۲۵ سؤالی رضایت زناشویی (هودسن، ۱۹۹۲) برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌های پژوهش، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. بین زنان و مردان در مورد تمایز یافتگی تفاوت معناداری وجود نداشت. بین زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی در خصوص مؤلفه‌های واکنش‌پذیری هیجانی و هم‌میختگی عاطفی با دیگران، تفاوت معناداری وجود داشت. زنان بیشتر از مردان دچار واکنش‌پذیری هیجانی و هم‌میختگی با دیگران می‌شوند. در مولفه‌های گسلش عاطفی و موقعیت من، بین زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی، تفاوت معناداری یافت نشد. تحلیل رگرسیون نشان داد که مولفه‌های تمایز یافتگی ۵۶٪ از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌نمایند. به طور کلی مشخص گردید که زوج‌های رضایت‌مند در مقایسه با زوج‌های دارای تعارض زناشویی، از تمایز یافتگی سطح بالاتری برخوردار می‌باشند و همین عامل باعث افزایش رضایت زناشویی در آنان شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تمایز یافتگی، رضایت زناشویی، تعارض زناشویی

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد مشاوره خانواده، مشاور مدارس آموزش و پرورش سیلوانا (ارومیه)، aryamanesh.s@gmail.com

<sup>۲</sup> - عضو هیأت علمی دانشگاه هرمزگان.

<sup>۳</sup> - عضو هیأت علمی دانشگاه هرمزگان.

### مقدمه

رابطه زناشویی به عنوان یکی از مهم‌ترین روابط است که مقدمه تربیت نسل آینده، بهزیستی روانی زوجین و استقلال و خود افراد محسوب می‌شود (لارسون و هولمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). رضایت زناشویی<sup>۲</sup> یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است. رضایت زناشویی یک ارزیابی هیجانی - شناختی فرد از رابطه زناشویی‌اش می‌باشد (اسپرچر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸، گریف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است. برخی از صاحب‌نظران در تعریف رضایت زناشویی، آن را تابع مراحل چرخه‌ی زندگی می‌دانند. رضایت زناشویی یعنی احساس خشنودی، رضایت و لذت توسط زن و شوهر زمانی که همه‌ی جنبه‌های ازدواج در نظر گرفته شوند. به‌طور کلی می‌توان گفت که رضایت زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری، ۱۳۹۱). بسیاری از تحقیقات رضایت زناشویی را به عنوان عامل مؤثر در رشد مطرح می‌کنند (بادر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴، پروچنو، ویلسون - جندرسون، کارت رایت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). پژوهش‌های متعددی به بررسی رضایت زناشویی و سطح سلامت روانی در زوجها پرداخته‌اند که تعداد زیادی از این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رابطه قوی معنی‌داری بین رضایت زناشویی و سلامت روانی زوجین وجود دارد (هرلبرت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱).

عامل دیگری که در رابطه زناشویی مهم است، تعارض زناشویی می‌باشد. تعارض<sup>۸</sup> در هر رابطه نزدیکی اجتناب‌ناپذیر است. تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش‌های آن‌ها، خود محوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری، رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (شارف<sup>۹</sup>، ۱۹۹۶، گلاسر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۰). درمان‌گران سیستمی، تعارض زناشویی را تنازع بر سر تصاحب پایگاه، منافع قدرت و حذف امتیازات دیگری می‌دانند. بعضی از زوجها تعارض خود را به شکل بارز و مستقیم نشان می‌دهند. بعضی دیگر تعارض شان را انکار و سرکوب می‌کنند و به شکل پنهانی بروز می‌دهند (قربانی، ۱۳۸۴). تحقیقات متعدد رابطه تعارضات زناشویی را با افسردگی،

<sup>۱</sup> - Larson & Holman

<sup>۲</sup> - Marital satisfied

<sup>۳</sup> - Sprecher, Wenzel & Harvey

<sup>۴</sup> - Greef

<sup>۵</sup> - Badr

<sup>۶</sup> - Pruchno, Wilson- Genderson, & Cartwright

<sup>۷</sup> - Holbert

<sup>۸</sup> - Conflict

<sup>۹</sup> - Sharf

<sup>۱۰</sup> - Glaser

اختلالات خوردن، بیماریهای خاص مثل سرطان و بیماری‌های قلبی تایید کرده‌اند. در واقع رفتارهای خصمانه در طی تعارض، با تغییرات دستگاه ایمنی بدن در ارتباط است (فینچام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). از لحاظ روانی، اکثر افراد وجود تعارض در روابط زناشویی را بی‌نهایت تنش‌زا تجربه می‌کنند (هالفورد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). تعارض زناشویی با پدیده خشونت نیز مرتبط است. تعارض زناشویی به عنوان یک عامل خطرناک در ایجاد اختلالات در فرزندان و یک پیش‌بینی کننده مهم سازگاری در آنان می‌باشد (فینچام، ۲۰۰۳). در نهایت طلاق، که یکی از پراسترس‌ترین وقایع زندگی است به عنوان یکی از پیامدهای تعارضات زناشویی محسوب می‌شود (کریستنسن و هیوی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹).

هم نظریه‌ها و هم تحقیقات نشان داده‌اند که تجارب کسب شده در خانواده، مبدأ نقشی محوری در رشد عاطفی- اجتماعی و سازگاری افراد دارند. از سوی دیگر تحقیقات نشان داده‌اند که موفقیت بزرگسالان در دستیابی به رشد عاطفی و کفایت در روابط بین فردی، با تجارب عاطفی آن‌ها در خانواده اصلی گره‌خورده است (اسکورون، استانلی و شاپیرو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). بوون<sup>۵</sup> (۱۹۷۸) در تلاش برای تشریح الگوی‌های روابط صمیمی، مفهوم تمایز یافتگی را برای مرتبط کردن تجارب کسب شده در خانواده و روابط از هم بکار گرفت. افراد تمایز یافته می‌توانند فکر و احساس خود را در تعاملات صمیمی از هم جدا کنند، این افراد هیجان‌ات خود را به صورت کامل تجربه می‌کنند اما به صورت واکنشی و منفعلانه به این هیجان‌ات پاسخ نمی‌دهند (کِر<sup>۶</sup> و بوون، ۱۹۸۸؛ اسکورون و فریدلندر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸؛ اسپنسر و براون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷).

مفهوم تمایز یافتگی،<sup>۹</sup> اساسی‌ترین مفهوم نظریه بوون است، که به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و ماندن در جو عاطفی خود و در عین حال استقلال از دیگر افراد اشاره دارد (گلدنبرگ، ۱۳۸۷؛ کلور<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹). در نظریه بوون تمامی نشانه‌های مربوط به بیماری‌های روانی، بیماری‌های جسمی، مشکلات اجتماعی و خصوصاً مشکلات زناشویی با سطح تمایز یافتگی مرتبط می‌باشند (لال<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶؛ کِر<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۸، هراس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۸). تمایز یافتگی به عنوان یک کارکرد درون فردی، به توانایی جداسازی فرآیندهای عاطفی

<sup>1</sup> - Fincham

<sup>2</sup> - Hallford

<sup>3</sup> - Christensen & Heavey

<sup>4</sup> - Skowron, Stanley & Shapiro

<sup>5</sup> - Bowen

<sup>6</sup> - Kerr

<sup>7</sup> - Skowron & Friedlander

<sup>8</sup> - Spencer & Brown

<sup>9</sup> - Differentiation

<sup>10</sup> - Klever

<sup>11</sup> - Lal

<sup>12</sup> - Knerr

<sup>13</sup> - Heras

از فرآیندهای عقلانی، و تعادل مناسب میان آنها اشاره دارد به‌عنوان کارکرد بین فردی، روابط فرد با دیگران و میزان امتزاج فرد با دیگران را نشان می‌دهد (تایسون و فریدلندر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ روتس، جان کووسکی و سانداچی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

مفهوم تمایز یافتگی، شامل چهار مؤلفه اصلی می‌باشد، واکنش‌پذیری هیجانی<sup>۳</sup>، حالتی است که در آن احساسات بر عقل و منطق غلبه دارد. در این حالت فرد بر اساس واکنش‌های عاطفی و هیجان‌اتش تصمیم می‌گیرد (تیموری، لواسانی و بخشایش، ۱۳۹۱). موقعیت من<sup>۴</sup>: به معنای داشتن عقاید و باورهای مشخص در زندگی است. هم‌آمیختگی با دیگران<sup>۵</sup>: یعنی ناتوانی در حفظ عقاید و اگر، در حضور دیگران می‌باشد. افراد هم‌آمیخته، تحت تأثیر سیستم عاطفی محیط و واکنش دیگران رفتار می‌کنند (اسکورون و دندی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴) گسلس عاطفی<sup>۷</sup> به معنی ایجاد فاصله فیزیکی و قطع تمام ارتباطات با خانواده اصلی می‌باشد. گسلس عاطفی، فریب دیگران و فرار از قید و بند پیوندهای عاطفی حل نشده است، اما یک رهایی حقیقی نمی‌باشد (خزاعی، ۱۳۸۶). تمایز یافتگی، به عنوان فرآیندی برای دستیابی به هدف و یک جهت‌گیری مشخص برای روشن کردن اهداف و ارزش‌های شخصی تعریف می‌شود. تمایز یافتگی در سطح سیستمی، به عنوان توانایی یک سیستم/ خانواده در نظم دهی به خودش مطرح می‌شود. سطح بالای تمایز یافتگی افراد، سازگاری در خانواده و سیستم را به دنبال دارد (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴؛ لال، ۲۰۰۶).

تمایز یافتگی به عنوان یک فرآیند و الگوی بین‌نسلی، شخصیت فرد را بر اساس یک یک سری الگوی شناختی و رفتاری مرسوم در خانواده شکل می‌دهد. تمایز یافتگی هم‌چنین به عنوان پیش‌بینی‌کننده اضطراب محسوب می‌شود (جنکینز، بالبولتز، شوارتز و جانسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵). هم‌چنین تمایز یافتگی یک ویژگی شخصیتی است که در سطوح مختلف صفات درون‌روانی و برون‌روانی نمایان می‌شود. در سطح درون‌روانی، تمایز یافتگی به دو مقوله: کارکردی و پایه تقسیم می‌شود. مقوله کارکردی، طریقه انطباق با موقعیت‌ها را در فرد شکل می‌دهد؛ در مقوله پایه، باعث ثبات داشتن در روابط و موقعیت‌ها می‌شود. در سطح برون‌روانی شکل‌دهنده روابط فرد با دیگران و مرزبندی‌های شخص در خصوص این روابط می‌باشد

<sup>۱</sup> - Tuason & Friedlander

<sup>۲</sup> - Rootes, Jankowski & Sandage

<sup>۳</sup> - Emotional reactivity

<sup>۴</sup> - I- position

<sup>۵</sup> - Emotional Fusion

<sup>۶</sup> - Skowron & Dandy

<sup>۷</sup> - Emotional Cutoff

<sup>۸</sup> - Jenkins, Bulboltz, Schwartz & Johnson,

(کر و بوون، ۱۹۸۸؛ ونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰).

بسیاری از تحقیقات، تمایز یافتگی را به عنوان پیش‌بینی‌کننده کیفیت روابط زناشویی و صمیمیت زناشویی مطرح می‌کنند (کنر، ۲۰۰۸؛ اسکورون و دندی، ۲۰۰۴؛ لال ۲۰۰۶؛ آماتو، جانسون، بوث و راجرز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ موردک و جور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴؛ گروس و سیمونز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲؛ علیکی، ۱۳۸۶؛ یوسفی، سهرابی و بشلیده، ۱۳۸۹). از سوی دیگر نتایج برخی از تحقیقات تمایز یافتگی را به عنوان یک سازه اساسی در رشد بلوغ و دست‌یابی به سلامت روانی مطرح می‌کنند (برهمند<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ سوربرگ و لای‌ورز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶). بررسی پیلاژ<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) نشان داد که بین تمایز یافتگی بالا و رضایت زناشویی زوج‌های در مراحل مختلف زندگی رابطه مثبت وجود دارد.

پاپشتاین و باکوم<sup>۸</sup> (۲۰۰۲)، مطرح می‌کنند که پیشرفت‌های نظری و تجربی به درک بیشتر شناخت‌های مؤثر در رابطه زناشویی منجر شده‌اند. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد میزان موفقیت و رضایت روابط زناشویی وابسته به میزان آگاهی زوج‌ها از عوامل مؤثر بر روابط زناشویی موفق می‌باشد. شناخت عوامل مرتبط با رضایت زناشویی باعث کاهش مسائل و مشکلات پیش‌روی خانواده‌ها می‌شود. تجربه‌های بالینی درمان‌گران خانواده و رویکردهای خانواده درمانی نشان می‌دهد که در بروز بسیاری از مسائل و تعارض‌های زناشویی، خانواده اصلی نقشی کلیدی را بازی می‌کنند (ثنایی، ۱۳۷۸). با توجه به شرایط فرهنگی کشور ما و نقشی که خانواده‌های اصلی در زندگی زوج‌های دارند و با عنایت به پیشینه پژوهشی ذکر شده و نقش تمایز یافتگی در رشد و تعالی فرد، خانواده و جامعه، پژوهش حاضر با هدف مقایسه تمایز یافتگی در بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض و نیز تعیین نقش تمایز یافتگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی انجام گرفت. فرضیه‌های پژوهشی شامل موارد زیر بودند:

- برحسب تفکیک جنسیت (زن و مرد)، بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی، در خصوص سطح «تمایز یافتگی»، تفاوت وجود دارد.

- برحسب تفکیک جنسیت (زن و مرد)، بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی

، در خصوص مؤلفه‌های تمایز یافتگی تفاوت معناداری وجود دارد.

<sup>1</sup> - Wong

<sup>2</sup> - Amato, Johnson, Booth & Rogers

<sup>3</sup> - Murdock & Gore

<sup>4</sup> - Gross & Simmons

<sup>5</sup> - Barahmand

<sup>6</sup> - Thorberg & Lyvers

<sup>7</sup> - Pelage

<sup>8</sup> - Epstein & Bacom

-: بین مؤلفه‌های تمایزیافتگی با رضایت زناشویی، در بین زوج‌های دارای رضایت زناشویی، رابطه چندگانه وجود دارد.

### روش پژوهش، جامعه و نمونه

با توجه به هدف پژوهش حاضر، دو گروه از زوج‌های دارای رضایت زناشویی و دارای تعارض زناشویی، از نظر تمایزیافتگی و مؤلفه‌های تمایزیافتگی مورد مقایسه قرار گرفتند. در ادامه پژوهش مؤلفه‌های تمایزیافتگی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و رضایت زناشویی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر از آزمون‌های تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش کلیه زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی ساکن در شهر بندرعباس بودند. از بین این زوج‌های تعداد ۶۰ زوج دارای تعارض زناشویی که به مراکز مشاوره سطح شهر بندرعباس مراجعه کرده بودند به همراه ۶۰ زوج دارای رضایت زناشویی ساکن شهر بندرعباس، به صورت در دسترس، انتخاب شدند. قابل ذکر است که در نمونه‌گیری سعی شد همگنی دو گروه از زوج‌های از لحاظ سن، طول مدت زناشویی، تحصیلات، شغل (به تفکیک جنسیت) و تعداد فرزندان رعایت شود.

### ابزارهای پژوهش

**پرسشنامه تمایزیافتگی خود (DSI-R):**<sup>۱</sup> این پرسشنامه خودسنج توسط اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) تهیه شد و سپس (اسکورون، اسمیت؛ ۲۰۰۳) مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسشنامه دارای ۴۶ سؤال می‌باشد. پاسخ‌ها بر روی یک طیف شش درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی شده‌است که دارای چهار خرده مقیاس: واکنش‌پذیری هیجانی (ER)، موقعیت من (IP)، گسلس عاطفی (EC) و هم‌آمیختگی با دیگران (FO) می‌باشد (محسنیان و همکاران، ۱۳۸۶).

اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳)، پایایی کل را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و دامنه پایایی خرده مقیاس‌ها را ۰/۸۱ تا ۰/۸۶ گزارش داده‌اند. کتر (۲۰۰۸)، پایایی کل را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و دامنه پایایی خرده مقیاس‌ها را ۰/۷۶ تا ۰/۸۶، لال (۲۰۰۶)، ضریب آلفای کرونباخ کل را ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌های آن، در دامنه ۰/۶۰ تا ۰/۸۱ گزارش کرده‌است.

<sup>۱</sup> - Differentiation of self Inventory

یونسی (۱۳۸۸)، پرسشنامه مذکور را در بین افراد ۵۰-۲۵ ساله در شهر تهران با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۵۰۰ نفر هنجاریابی کرده است. وی پایایی کلی پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ و برای خرده مقیاس‌های آن، دامنه ۰/۶۰ تا ۰/۷۷ گزارش کرده است.

پایایی این پرسشنامه در این پژوهش به وسیله اجرای اولیه بر روی ۲۰ زوج و تحلیل از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ بود و ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های آن، در دامنه ۰/۸۱ تا ۰/۸۴ به دست آمد که یک پایایی قابل قبول برای این ابزار می‌باشد.

**پرسشنامه (شاخص) رضایت زناشویی (IMS):**<sup>۱</sup> شاخص رضایت زناشویی هودسن<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، یک ابزار ۲۵ سؤالی است، که برای اندازه‌گیری میزان شدت یا دامنه مشکلات زن یا شوهر در رابطه زناشویی تدوین شده است. این شاخص دارای دو نمره برش<sup>۳</sup> است. اولین نمره برش (±۵) ۳۰ که نمرات کمتر از آن نشانه عدم مشکلات مهم بالینی رابطه است. نمرات بیش از ۳۰ دلالت بر وجود مشکلات بالینی قابل ملاحظه است. دومین نمره برش، ۷۰ است. نمرات بالاتر از ۷۰ تقریباً همیشه نشانه آن است که مراجع دچار استرس شدید است و احتمال استفاده از نوعی خشونت برای حل مشکلات را لحاظ می‌کند (ثنایی، ۱۳۸۷). پایایی این پرسشنامه از نظر سازنده اصلی آن ۰/۹۶ می‌باشد (ثنایی، ۱۳۸۷). ابراهیم نژاد (۱۳۸۱)، پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ در زنان ۰/۹۶ و در مردان ۰/۹۴ به دست آورده است. در این پژوهش نیز پایایی این پرسشنامه به وسیله اجرای اولیه بر روی ۲۰ زوج و تحلیل از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ بود، که پایایی خوبی برای این پرسشنامه به حساب می‌آید.

شاخص رضایت زناشویی هودسن از یک روایی همزمان عالی برخوردار است، و با آزمون «سازگاری زناشویی لاک - والاس»<sup>۴</sup> و آزمون رضایت زناشویی انریچ<sup>۵</sup> همبستگی معناداری نشان می‌دهد. همچنین، این شاخص، از روایی بسیار خوب و با معنایی برای متمایز کردن زوج‌های مشکل‌دار و زوج‌های ظاهراً بدون مشکل برخوردار است. علاوه بر این، شاخص رضایت زناشویی دارای روایی سازه‌ی خوبی است (ثنایی، ۱۳۸۷).

### یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به فرضیه‌های پژوهشی اول و دوم از آزمون‌های تحلیل

<sup>۱</sup> - Index of marital satisfied

<sup>۲</sup> - Hudson

<sup>۳</sup> - Cutting scores

<sup>۴</sup> - Lock-Wallace Marital Adjustment Test

<sup>۵</sup> - Enrich

واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل فرضیه پژوهشی سوم که بررسی رابطه چند گانه مؤلفه‌های تمایز یافتگی با رضایت زناشویی بود، از رگرسیون چند متغیری استفاده شد.

جدول ۱. تحلیل واریانس دو راهه نوع گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) و جنسیت بر تمایز یافتگی در بین زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض

منبع	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار F	سطح معنی داری
نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۴۳۶۸۶/۰۲	۳	۴۳۶۸۶/۰۲	۱۰۸/۷۴	۰/۰۱
جنسیت (مرد زن)	۴۶۴/۸۲	۱	۴۶۴/۸۲	۱/۱۵	۰/۲۳
اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۲۳۶/۰۲	۱	۲۳۶/۰۲	۰/۵۸۸	۰/۴۴
خطا	۹۴۸۰۸/۳۳	۲۳۶	۴۰۱/۷۳		
مجموع	۵۰۵۴۳۹۴	۲۴۰			

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، بر حسب متغیر مستقل، نوع زوج‌ها (رضایت‌مند و دارای تعارض)، با  $F=108/74$ ، در سطح آلفای  $P=0/01$ ، تفاوت معناداری در تمایز یافتگی وجود دارد. بر حسب متغیر مستقل جنسیت با  $F=1/15$ ، تفاوت معناداری در تمایز یافتگی مشاهده نشد. اثر تعاملی جنسیت و نوع گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) با  $F=0/588$ ، تفاوت معناداری را در تمایز یافتگی ایجاد نکرده است.

به طور کلی از دو اثر اصلی، تنها اثر اصلی نوع زوج‌ها (رضایت‌مند و دارای تعارض) تفاوت معناداری را در تمایز یافتگی ایجاد کرد. اما اثر تعاملی جنسیت بر نوع گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) در تمایز یافتگی تفاوت معناداری را ایجاد نکرده است.



جدول ۲. تحلیل واریانس دو راهه نوع گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) و جنسیت بر مؤلفه‌های تمایز یافتگی در بین زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض

مؤلفه‌های تمایز یافتگی	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگن مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری
واکنش پذیری هیجانی	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۶۲۳۲/۲۰۴	۳	۶۲۳۲/۲۰۴	۱۳۳/۹۶۲	۰/۰۰۱
	جنسیت (مرد و زن)	۳۲۴/۳۳۸	۱	۳۲۴/۳۳۸	۶/۹۷۲	۰/۰۰۹
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۳۱۰/۵۳۸	۱	۳۱۰/۵۳۸	۶/۶۷۵	۰/۰۱
	خطا	۱۰۹۷۹/۲۱۷	۲۳۶	۴۶/۵۲۲		
	مجموع	۲۸۰۰۶۵	۲۴۰			
گسلش عاطفی	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۱۱/۲۶۷	۳	۱۱/۲۶۷	۰/۴۴۵	۰/۵۰۵
	جنسیت (مرد و زن)	۶۰	۱	۶۰	۲/۳۷۲	۰/۱۲۵
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۱/۶۶۷	۱	۱/۶۶۷	۰/۰۶۶	۰/۷۹۸
	خطا	۵۹۶۹	۲۳۶	۲۵/۲۹۲		
	مجموع	۴۳۵۸۱۰	۲۴۰			
هم آمیختگی با دیگران	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۳۸۷۲/۰۶۷	۳	۳۸۷۲/۰۶۷	۶۷/۴۲۲	۰/۰۰۱
	جنسیت (مرد و زن)	۵۲/۲۶۷	۱	۵۲/۲۶۷	۰/۹۱۰	۰/۳۴۱
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۱۹۸/۰۱۷	۱	۱۹۸/۰۱۷	۳/۴۴۸	۰/۰۶۵
	خطا	۱۳۵۵۳/۶۳۳	۲۳۶	۵۷/۴۳۱		
	مجموع	۳۲۷۱۳۴	۲۴۰			
موقعیت من	نوع (رضایت‌مند و دارای تعارض)	۲۲/۸۱۷	۳	۲۲/۸۱۷	۱/۰۷۳	۰/۳۰۱
	جنسیت (مرد و زن)	۳۸/۴۰۰	۱	۳۸/۴۰۰	۱/۸۰۶	۰/۱۸
	اثر تعاملی (جنسیت و نوع گروه)	۴/۸۱۷	۱	۴/۸۱۷	۰/۲۲۷	۰/۶۳۵
	خطا	۵۰۱۷/۹۰	۲۳۶	۲۱/۲۶۲		
	مجموع	۳۳۶۹۰۸	۲۴۰			

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، بر حسب متغیر مستقل نوع زوج‌ها (رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض) با مقدار  $F=133/962$ ، در سطح آلفای  $P=0/001$ ، تفاوت معناداری در متغیر واکنش‌پذیری هیجانی وجود دارد. بر حسب متغیر مستقل جنسیت (زن و مرد) در واکنش‌پذیری هیجانی بین دو گروه زنان و مردان با مقدار  $F=6/972$ ، در سطح آلفای  $P=0/009$ ، تفاوت معناداری وجود دارد. اثر تعاملی بین جنسیت (زن و مرد) و نوع گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) در خصوص سطح واکنش‌پذیری هیجانی با مقدار  $F=6/675$ ، در سطح آلفای  $P=0/01$ ، معنادار می‌باشد. به‌طور کلی دو اثر اصلی و اثر تعاملی نوع زوج‌ها (رضایت‌مند و دارای تعارض) و جنسیت (زن و مرد)، تفاوت معناداری را در واکنش‌پذیری هیجانی را ایجاد کرده است. ضمناً جدول ۲ نشان می‌دهد، بر حسب متغیر مستقل نوع زوج‌های (رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض) با مقدار  $F=62/422$ ، در سطح آلفای  $P=0/001$ ، تفاوت معناداری در متغیر هم‌آمیختگی با دیگران وجود دارد. بر حسب متغیر مستقل جنسیت (زن و مرد) در متغیر هم‌آمیختگی با دیگران بین دو گروه زنان و مردان با مقدار  $F=0/91$ ، تفاوت معناداری وجود ندارد. اثر تعاملی بین جنسیت (زن و مرد) و نوع گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض) در خصوص سطح آمیختگی با دیگران نیز با مقدار  $F=3/448$ ، در سطح آلفای  $P=0/065$ ، معنادار نمی‌باشد. ولی بین دو گروه زوج‌ها (رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض) و مردان و زنان حاضر در پژوهش در خصوص دو متغیر گسلش عاطفی و موقعیت من، تفاوت معنادار نمی‌باشد.

جدول ۳. خلاصه مقادیر R و مجذور R رگرسیونی در پژوهش حاضر

مدل	مقدار R	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
Enter	۰/۷۵۶	۰/۵۷۱	۰/۵۵۷	۳/۸۵۹

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی و رضایت زناشویی برابر با ۰/۷۵۶ می‌باشد و مؤلفه‌های تمایز یافتگی (واکنش‌پذیری عاطفی، گسلش عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران و موقعیت من) می‌توانند تقریباً ۵۶٪ از واریانس متغیر وابسته رضایت زناشویی را به صورت تعدیل شده تبیین نمایند.

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های

تمایز یافتگی در پژوهش حاضر

منبع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	مجدور میانگین‌ها	مقدار F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۲۲۸۳/۸۳	۴	۵۷۰/۹۶	۳۸/۳۴	۰/۰۰۱
باقی‌مانده	۱۷۱۲/۷۲	۱۱۵	۱۴/۸۹		
کل	۳۹۹۶/۵۵	۱۱۹			

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌گردد، اثر رگرسیونی مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی با  $F=۳۸/۳۴$  در سطح  $P=۰/۰۰۱$  معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر مجموع مجدورات باقی‌مانده به آن میزانی نبود که اثر رگرسیونی را خنثی نماید؛ لذا تغییر نشان داده شده به وسیله مدل رگرسیونی بر اثر اتفاق و تصادف نیست.

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی مؤلفه‌های تمایز یافتگی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی در پژوهش حاضر

مدل	ضرایب غیر استاندارد		مقدار استاندارد $\beta$	مقدار t	سطح معناداری
	مقدار B	مقدار خطای استاندارد			
واکنش‌پذیری هیجانی	-۰/۳۱۴	۰/۰۴۲	-۰/۴۶۰	-۷/۴۲	۰/۰۰۱
گسلش عاطفی	-۰/۲۳۹	۰/۰۵۴	-۰/۲۷۵	-۴/۴۴	۰/۰۰۱
هم‌آمیختگی با دیگران	-۰/۰۱۳	۰/۰۵۰	-۰/۰۱۶	-۰/۲۶۵	۰/۷۹۲
موقعیت من	-۰/۳۴۷	۰/۰۴۹	-۰/۴۳۷	-۷/۰۹۲	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، از بین چهار مؤلفه‌ی تمایز یافتگی، واکنش‌پذیری عاطفی بیش‌ترین سهم را در پیش‌بینی واریانس متغیر وابسته رضایت زناشویی دارد. و می‌تواند به طور معناداری رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. به نحوی که با مقدار بتای  $۰/۴۶$  و مقدار  $t = -۷/۴۲$ ، در سطح  $P=۰/۰۰۱$ ، پیش‌بینی‌کننده مثبت رضایت زناشویی می‌باشد. از دیگر مؤلفه‌های تمایز یافتگی، موقعیت من است، که با مقدار بتای  $۰/۴۳۷$  و مقدار  $t = -۷/۰۹۲$  و سطح معنی‌داری  $P=۰/۰۰۱$ ، به طور معناداری پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی می‌باشد؛ گسلش عاطفی از دیگر مؤلفه‌های تمایز یافتگی می‌باشد که با مقدار بتای  $۰/۲۷۵$  و مقدار  $t = -۴/۴۴$  و سطح معناداری  $P=۰/۰۰۱$ ، به طور معناداری پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، تنها مؤلفه‌ی تمایز یافتگی که به صورت معناداری رضایت زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کند، آمیختگی با دیگران می‌باشد. به طور کلی

مؤلفه‌های یاد شده همان‌طور که در جدول شماره ۳ ذکر شد، می‌توانند روی هم رفته تقریباً ۵۶٪ از واریانس رضایت زناشویی را تبیین نمایند.

### نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی در خصوص میزان تمایز یافتگی تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی زوج‌های رضایت‌مند دارای تمایز یافتگی بالاتری نسبت به زوج‌های دارای تعارض زناشویی بودند؛ اما بین زنان و مردان در خصوص تمایز یافتگی تفاوت معناداری وجود نداشت، و ضمناً اثر تعاملی نوع گروه (رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی) و جنسیت (زن و مرد) معنادار نبود. با توجه به این یافته‌ها فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد. این یافته با نتایج تحقیقات قبلی (کنر، ۲۰۰۸؛ اسکورون و دندی، ۲۰۰۴؛ لال ۲۰۰۶؛ آماتو، جانسون، بوث و راجرز، ۲۰۰۳؛ موردک و جور، ۲۰۰۴؛ گروس و سیمونز، ۲۰۰۲؛ علیکی، ۱۳۸۶؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸) که تمایز یافتگی را عاملی اثر گذار در جهت افزایش رضایت زناشویی دانسته بودند، همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که سطوح پایین تمایز یافتگی از نظر بوون باعث مشکلات روانی و بین‌فردی می‌شود. بوون معتقد بود که دلیل اصلی نشانه‌های روانی و تعارض زناشویی عدم تمایز یافتگی در سیستم خانواده می‌باشد. عدم تمایز یافتگی به معنی نداشتن مرز مشخص کافی برای حفظ هویت فردی و صمیمیت اصلی می‌باشد. در مقابل افراد تمایز یافته توانایی کنترل روابط بین فردی شان را دارند. افراد با تمایز یافتگی بالا از هیجانان خود آگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند. این افراد، توانایی رشد خود یکپارچه را در روابط صمیمی دارند و می‌توانند در روابط عمیق، آرامش و راحتی خود را حفظ کنند و بنابراین از هم آمیختگی با دیگران و یا گسلس عاطفی برای تعدیل تنش‌های درونی خود اجتناب می‌کنند؛ در حالی که افراد کمتر تمایز یافته، یا به آمیختگی با دیگران متمایل می‌شوند و به این ترتیب با جدایی از افراد مهم زندگی از پا در می‌آیند و یا به گسلس عاطفی تن می‌دهند و بنابراین هنگام مواجه شدن با صمیمیت عاطفی، واکنش اضطرابی نشان می‌دهند (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴).

ضمناً یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، که بین زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض در خصوص سطح واکنش‌پذیری هیجانی و آمیختگی با دیگران تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی میانگین زوج‌های رضایت‌مند از زوج‌های دارای تعارض بیشتر می‌باشد و حاکی از آن است که زوج‌های

<sup>1</sup> - Murdock & Gore

رضایت‌مند نسبت به زوج‌های دارای تعارض کمتر دچار واکنش‌پذیری هیجانی و آمیختگی با دیگران بودند. این نتایج نشان می‌دهد که زوج‌های دارای تعارض، واکنش‌پذیری هیجانی بالاتری دارند و کمتر در موقعیت‌ها از قوه شناختی (عقل) خود کمک می‌گیرند. ولی در عوض زوج‌های رضایت‌مند از قوه شناختی خود در موقعیت‌های تنش‌زا بیشتر استفاده می‌کنند. ضمناً بین زنان و مردان نیز در مورد واکنش‌پذیری هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنی که زنان بیشتر از مردان دچار واکنش‌پذیری هیجانی می‌شوند. با توجه به این یافته‌ها فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌گردد. این یافته نیز با یافته‌های پژوهشی کتر (۲۰۰۸)، لال (۲۰۰۶) و برهنمد (۲۰۱۰)، که تمایز یافتگی را عاملی برای اختلالات روانی و رضایت زناشویی معرفی کرده بودند، همسو می‌باشد.

به طور کلی در تبیین یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت برآورد صحیح موقعیت که لازمه آن به کارگیری عناصر شناختی می‌باشد، منجر به قابل کنترل بودن موقعیت توسط افراد و لحاظ کردن تصمیمات بجا می‌شود. لذا، زوج‌هایی که دارای مهارت شناختی بهتری بوده و در موقعیت‌ها، احساسی و عاطفی عمل نمی‌کنند، دارای قدرت بیشتری در کنترل روابط بوده و از روابط خود لذت بیشتری می‌برند. با توجه به این که واکنش‌پذیری هیجانی حالتی است که در آن، احساسات فرد بر عقل و منطق او غلبه دارد و فرد در موقعیت‌های مختلف تنها با تکیه بر جو احساسی محیط و بدون توجه به راه‌حل‌های منطقی ممکن، تصمیم‌گیری می‌کند. لذا در برخورد با مشکلات زندگی و مسائل زناشویی نیز به صورت احساسی واکنش نشان می‌دهد، و خانواده را به سوی کارکرد عاطفی بیشتر رهنمود می‌سازد و خود پیروی فرد کاهش می‌یابد. کاهش خود پیروی، فرد را دچار اضطراب مزمن می‌کند و این خود باعث ایجاد مشکلات جدید شده و جو عاطفی خانواده را نامطلوب می‌سازد. همچنین می‌توان گفت، از آن جا که زوج‌ها با واکنش‌پذیری هیجانی بالا نمی‌توانند در مواجهه با موقعیت‌ها و مشکلات زندگی عملکرد شناختی شان را به خوبی استفاده کنند. در نتیجه در برخورد با موقعیت‌ها با مشکل مواجه شده و این امر باعث افزایش درگیرها و کاهش رضایت زناشویی آنان می‌گردد. در خصوص تفاوت بین مردان و زنان در مورد واکنش‌پذیری هیجانی، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه زنان بیشتر از مردان در احساسات و عقاید دیگران غرق می‌شوند و دارای حس همدردی قویتری می‌باشند، زنان بیشتر از مردان دچار واکنش‌پذیری هیجانی شوند.

براساس نتایج پژوهش حاضر تمایز یافتگی یک پیش‌بینی‌کننده خوب جهت رضایت زناشویی می‌باشد. افراد تمایز یافته دارای احساس و تفکر و رفتار انعطاف‌پذیر در سازگاری با فشارهای زندگی می‌باشند. این

افراد دارای عواطف روشن در ارتباط با دیگران می‌باشند و در نزدیکی و گسستگی ارتباط از تعادل روانی برخوردار هستند. سطح پایین تمایز یافتگی در خانواده باعث بالا رفتن سطح اضطراب خانوادگی و بروز تعارض‌های زناشویی می‌شود.

در مجموع نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه بوون در خصوص تمایز یافتگی هماهنگ بود. با توجه به نظریه بوون اولاً افراد متمایز در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی به صورت عقلانی و منطقی برخورد کرده و آن‌ها را حل می‌نمایند. ثانیاً تمایز از خانواده اصلی باعث تفکیک ساختار سیستم‌ها (خانواده‌ها) از همدیگر، جلوگیری از ایجاد مشکلات در زندگی زوج‌ها و تسهیل‌کننده روند حل تعارض زوج‌ها می‌شود. افرادی که مفهوم نیرومندی از خویش‌داری دارند، در زندگی نیز عقاید محکم و باورهای مشخصی را مطرح می‌سازند. با توجه به فرآیند انتقال چندنسلی بوون، موقعیت من افراد تحت تأثیر شدید شیوه‌های فرزندپروری والدین‌شان می‌باشد. زیرا شخصیت و رفتار افراد هر چند در مراحل مختلف از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد؛ اما نقش والدین از مبانی و موارد اولیه تأثیرگذاری محسوب می‌شود. ناتوانی در ادراک خود به عنوان یک فرد مستقل و متمایز ناشی از چگونگی شبکه روابط خانوادگی و شیوه‌های فرزندپروری می‌باشند که هر دو آن‌ها تحت تأثیر فرهنگ آن جامعه می‌باشد.

### کتابنامه

- ابراهیم نژاد، ندا. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین سطح هیجان خواهی همسران و سازگاری زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران.
- پیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم و امیری، احمد. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و مولفه‌های تمایز یافتگی. مجله اصول بهداشت روانی، سال ۱۴، شماره ۱.
- تیموری آسفیچی، علی؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و خودتمایزسازی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال هشتم، شماره ۳۲.
- ثنایی، باقر. (۱۳۷۸). نقش خانواده اصلی در ازدواج فرزندان. مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد اول، شماره ۲.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت، چاپ دوم.
- خاتمی، احمد. (۱۳۸۷). بررسی آداب پیوند زناشویی و امور خانواده در شاهنامه فردوسی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره چهارم، شماره ۱۵.
- خزاعی، سمانه. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش تمایز یافتگی بر افزایش صمیمیت زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم، کرج.
- علیکی، محمد. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین میزان تمایز یافتگی و رضایت زناشویی در بین کارکنان دانشگاه تربیت معلم تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، کرج.
- قربانی، کیومرث. (۱۳۸۴). تأثیر زوج درمانی به شیوه درمان عقلانی هیجانی رفتاری بر تعارض‌ها و افکار غیرمنطقی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه اصفهان.

- گلدنبرگ، ایرونه و گلدنبرگ، هربرت. (۲۰۰۰). خانواده درمانی. (مترجمان، حمیدرضا بروات شاهی، سیامک نقشبندی، الهام ارجمند، ۱۳۸۷). تهران: انتشارات روان، چاپ چهارم، ص ۲۰۹-۲۲۳.
- محسنیان، محمد؛ کرملو، سمیرا و گنجوی، آناهیتا. (۱۳۸۶). رابطه میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در متقاضیان طلاق، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره سوم، شماره ۱۲.
- میلانی فر، بهروز. (۱۳۷۰). بهداشت روانی. تهران: نشر قومس.
- یوسفی، ناصر؛ سهرابی، احمد و بشلیده، کیومرث. (۱۳۸۹). کتاب چکیده مقالات چهارمین کنگره آسیب‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- یونسی، فاطمه. (۱۳۸۸). هنجاریابی و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون خود تمایز سازی در بین افراد ۵۰-۲۵ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

- Amato, P. R., Johnson, D. R., Booth, A., & Rogers, S. J. (2003). Continuity and change in marital quality between 1980 and 2000. *Journal of Marriage and the Family*, 65, 1-22.
- Barahman., U. (2010). Self differentiation in women with and without mental disorder. *Procedia Social and Behavioral Sciences* ,5 , 559-562.
- Bowen, M.(1978). Family therapy in clinical practice. New York, NY, USA: J.Aronson.
- Christensen, A., & Heavey, C. L. (1999). Interventions for couples. *Annual Review of Psychology*, 50, 90-165.
- Epstein N.B, Baucom D.H. (2002).Enhanced cognitive behavioral therapy for couples: A contextual approach. Washington, DC: *American Psychological Association*; p. 284.
- Fincham, F. D. (2003). Marital conflict: correlates, structur, and context. *Current Direction in psychological sciences*, 12, 23- 27.
- Greeff, A.P. (2000). Characteristics of families that function well. *Journal of family issues*, 21(8), 948- 963.
- Gross, N. & Simmons, S. (2002). Intimacy as a double edged phenomenon? An Empirical Test of Giddens. *Social Forces*, 81(2), 531-555
- Halford, W.K. (2001). *Brief couple therapy for couples*. New York: Guilford publications.
- Heiden Rootes, K. M, Jankowski, P. & Sandage, S.J. (2010). Bowen Family Systems Theory and Spirituality: Exploring the Relationship between Triangulation and Religious Questing, *Contemporary Family Therapy*, 32, 89-101.
- Heras, J. E. (2008). A clinical application of Bowen family systems theory. Available: [www.thebowencenter.org](http://www.thebowencenter.org).
- Holbert, J.M. (2011). The relationship of involvement in a support group, communication patterns. And marital satisfaction in couples whit a genetic mutation for breast and ovarian cancer(BRCA). Dissertation of doctor of Philosophy. The University of Akron, <http://etd.ohiolink.edu/>.
- Jenkins, S. M., Buboltz, W. C. Schwartz, J. P., & Johnson, P. (2005). Differentiation of self and psychosocial development. *Contemporary Family Therapy*, 27(2), 251-261.
- Klever, P.(2009) Goal Direction and Effectiveness, Emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*. 35, (3), 308-324



- Kerr, M.E. & Bowen, M.(1988). Family Evaluation: An approach based on Bowen theory. New York, NY, USA: <http://www.Norton Company>
- Knerr, M.R. (2008). Differentiation and power in couples therapy. Dissertation Committee, M.S. The Ohio State University. <http://etd.ohiolink.edu/>.
- Lal, A. (2006). Relationship among differentiation of self, Relationship satisfaction, Partner support, Depression, Monitoring/Blunting style, Adherence to treatment and quality of life in patients with chronic lung disease. Dissertation of doctor of Philosophy. The Ohio State University, <http://etd.ohiolink.edu/>.
- Larson J.H, Holman T.B. (1994). Predictors of marital quality and stability. *am Relations*; (43), 228-237.
- Murdock, N. L., & Gore, P. A. Jr., (2004). Stress, coping, differentiation of self: A test of Bowen Theory. *Contemporary Family Therapy*, 26, 319-335.
- Pelage, M. (2008). The relationship between differentiation of self and marital Satisfaction: What can be learn from married couple over the course of life? *The American Journal of Family Therapy*, 36, 388-401.
- Pruchno, R., Wilson-Genderson, M., & Cartwright, F. P. (2009). Depressive symptoms and marital satisfaction in the context of chronic disease: A longitudinal dyadic analysis. *Journal of Family Psychology*, 23, 573-583. doi: 10.1037/a0015878
- Rothbaum, F., Rosen, K., Ujii, T., & Uchida, N. (2002). Family system theory, attachment theory and culture. *Journal of Family Process*, 41(3), 328-351.
- Skowron, E.A.(2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling psychology*, 45(3),235-246.
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlated of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26(3),337-357.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 1-11.
- Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(2), 209-222.
- Skowron, E. A., Stanley, K., & Shapiro, M. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal, and psychological well-being in young adulthood. *Contemporary Family Therapy*, 31, 3-18.
- Spencer, B. & Brown, J. (2007). Fusion or Internalized Homophobia? A Pilot Study of Bowen's Differentiation of Self Hypothesis with Couples. *Journal of Family Process*, 46(2), 257- 268.
- Sprecher S, Wenzel A, Harvey J.( 2008).*Handbook of Relationship Initiation*. New York: Taylor & Francis Group; 337-353.
- Thorberg, F. A, & Lyvers, M. (2006). Attachment, fear of intimacy and differentiation of self among clients in substance disorder treatment facilities, *Journal of Addictive Behaviors*. 31, 732- 737.
- Tuason, M.T, & Friedlander, M. L.(2000). Do parents differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of Bowen theory in Philippine sample. *Journal of counseling psychology*, 47(1), 27-35.
- Wanic, R & Kulik, J. (2011). Toward an Understanding of Gender Differences in the Impact of Marital Conflict on Health, Published online: <http://www.springerlink.com>.

Wong, C. T.(2010). Self Construal as a Moderator between Differentiation Of self and Trait Anxiety. Dissertation Committee, M.A, Psychology (Counseling Psychology). University of California, <http://etd.ohiolink.edu/>